



بررسی رابطه بین هوش هیجانی و هوش معنوی دانش آموزان متوسطه دوم شهرستان

میناب

ابوالحسن زاهدی، بتول محبی بهمنی
پرسنل آموزش و پرورش شهرستان میناب

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین هوش هیجانی با هوش دانش آموزان متوسطه دوم شهرستان میناب در سال ۱۳۹۹ انجام گرفت. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر متوسطه دوم شهرستان میناب بود که تعداد ۱۰۰ نفر از آنها به روش تصادفی ساده به عنوان نمونه پژوهشی انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده پژوهش، پرسشنامه هوش هیجانی باران و پرسشنامه هوش معنوی عبدالله زاده بود. طرح پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. برای تحلیل داده ها از روشهای آماری ضریب همبستگی ساده پیرسون و آزمون t گروه های مستقل استفاده شد. نتایج نشان داد بین هوش هیجانی با هوش معنوی رابطه معناداری وجود دارد همچنین مشخص شد بین هوش هیجانی با هوش معنوی دانش آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود ندارد
کلید واژه ها: هوش هیجانی، هوش معنوی

مقدمه:

مفهوم هوش معنوی در ادبیات آکادمیک روانشناسی برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ توسط استیونز و بعد در سال ۱۹۹۹ توسط امونز مطرح شد. به موازات این گاردنز (۱۹۹۹) مفهوم هوش معنوی را در ابعاد مختلف مورد نقد و بررسی قرار داد و پذیرش این مفهوم ترکیبی، معنویت و هوش را به چالش کشید. وهان (۲۰۰۲) معتقد است که هوش معنوی، یکی از انواع هوشهای چندگانه است که بطور مستقل می تواند رشد و توسعه یابد. هوش معنوی نیازمند شیوه های مختلف شناخت و وحدت زندگی درونی ذهن و روح با زندگی در دنیای هستی است. هوش معنوی می تواند بوسیله تلاش، جستجو و تمرین پرورش یابد. انسان برای کسب قدرت تشخیص در تصمیم گیری هایی که به رشد سلامت نفس و روان کمک می کند، نیازمند هوش معنوی است. بر همین اساس، زوهارومارشال (۲۰۰۰) معتقدند، هوش معنوی موجب می شود که فرد در برابر رویدادها و حوادث، بینشی عمیق بیابد و از سختی های زندگی نترسد. الکینز و کاوندش (۲۰۰۴) بر این باورند که حوزه هوش معنوی موجب می شود که انسان با ملامت و عطفوت بیشتری به مشکلات نگاه کند، تلاش بیشتری برای یافتن راه حل داشته باشد، سختی های زندگی را بهتر تحمل کند و به زندگی خود پویایی و حرکت دهد. در مطالعات اسمیت (۲۰۰۵) نشان داده شد که هوش معنوی، لازمه سازگاری بهتر با محیط است و افرادی که هوش معنوی بالاتری دارند، تحمل آنان در مقابل فشارهای زندگی بیشتر بوده و توانایی بالاتری را برای سازگاری با محیط از خود بروز می دهند. مطالعات روس (۱۹۹۴) تامپسون (۲۰۰۲)، اوسوالد (۲۰۰۴)، وان لیوین و کاسولر (۲۰۰۴)، الکینز و کاوندش (۲۰۰۴)، و موسسه آگاهی سنجی پرودیو (۲۰۰۵) نشان می دهد که بین هوش معنوی، هوش هیجانی، صلاحیت های شخصی و سلامت ذهن، هم بستگی بالایی وجود دارد. تحقیقات آنها نشانگر آن است که هوش معنوی به رشد، غنا و تقویت هوش هیجانی کمک می کند و همچنین هوش هیجانی، یاری دهنده فرد به یک هوش معنوی بالاست. بنابراین، برای رسیدن به یک زندگی شاد و همراه با سلامتی جسمی و روانی، هوش معنوی و هوش هیجانی لازم و ملزوم یکدیگر هستند. بنابراین ما در این پژوهش به دنبال بررسی رابطه ی بین هوش هیجانی و هوش معنوی هستیم.